

سینمای کودک و نوجوان در بوته‌ی نقد

## کودکان و نوجوانان در فیلم‌های ایرانی (بخش چهارم)

جبار آذین

### ۱۳۵۴؛ کانون، کرسی دار تولید فیلم کودک

سینمای ایران در سال ۱۳۵۴ به رغم ظهور تعدادی سینماگر جوان و ساخت فیلم‌هایی مانند «زنبورک» به کارگردانی «فرخ غفاری»، «طبیعت بیجان» کار «سهراب شهیدتالت»، «گوزن‌ها» ساخته‌ی «مسعود کیمیایی»، «غریبه و مه» به کارگردانی «بهرام بیضایی»، «بیوف کور» کار «کیومرث درم‌بخش» و ... هم‌چنان زیر سیطره‌ی حاکمیت فیلمفارسی قرار داشت. در این سال فیلم‌های «همت» کار «خسرو پرویزی»، «هدف» کار «ایرج قادری»، «فراشباشی» کار «ایرج صادق‌پور»، «چشم‌انتظار» کار «فریدون زورک»، «خداحافظ کوچولو» کار «رضا عقیلی» و «هیچکی بابا نمیشه» و «مادر دوست دارم» کار «داریوش کوشان» به نمایش عمومی درآمدند. حضور کودک در فیلم‌های خداحافظ کوچولو و هیچکی بابا نمی‌شه به عنوان شخصیت محوری مورد توجه قرار گرفته بود. این فیلم‌ها در چارچوب سینمای فیلمفارسی ساخته شدند و کاراکتر

کودکان و بازی بازیگران خردسال در آن‌ها تنها به دلیل بالا بردن بار عاطفی فیلم و در نتیجه کسب سود بیش‌تر بوده است، و گرنه در هیچ کدام از آثار ذکرشده به کودکان به صورت شخصیتی دارای هویت و دنیای خاص و با تفکری ویژه پرداخت نشده است. دلیل ما برای ذکر نام این آثار فقط به خاطر حضور کودکان در آن‌ها و یادآوری سودجویی صاحبان سرمایه و سودانوزان فیلمساز از وجود کودکان است.

اما در عرصه‌ی نزدیک به دنیای کودک و نوجوان و در جهت کنکاش در افکار آنان و ارایه‌ی بخش‌هایی از زندگی این قشر از جامعه، آثار گوناگونی در این سال تهیه شده که به معرفی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم: «بچه‌ها و بعدازظهر» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، کارگردان: جواد طاهری، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱۲ دقیقه و ۲۵ ثانیه، داستانی)، «بین‌جا شهر شماست» (محصول کانون، کارگردان: حسن مشرف آزاد تهرانی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۶ دقیقه، داستانی)، «پست» (محصول کانون، نویسنده

و کارگردان: ناصر زراعتی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۸ دقیقه، مستند داستانی)، «پسر شرقی» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: مسعود کیمیایی، ۳۵ م.م. رنگی، ۲۸ دقیقه، داستانی)، «پیوند» (تولید انجمن اولیا و مربیان، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۳ دقیقه، مستند آموزشی)، «جایزه» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده و کارگردان: ابراهیم وحیدزاده، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۱ دقیقه، داستانی) و «دو راه برای حل یک مسئله» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: عباس کیارستمی، ۳۵ م.م. رنگی، ۵ دقیقه، داستانی).

در فیلم دو راه برای حل یک مسئله، «دارا» و «تادر» دو دوست هستند. دارا کتاب دوستش را امانت می‌گیرد اما بر اثر سهل‌انگاری جلد کتاب پاره می‌شود. حال دارا می‌خواهد کتاب را به نادر بدهد. در این‌جا فیلمساز دو راه حل را به قصد آموزش و یادآوری به کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد. در یک حالت نادر به مقابله به مثل می‌پردازد و در نتیجه درگیری و قهر به وقوع می‌پیوندد. در حالت دوم دارا با عذرخواهی قسمت پاره‌شده‌ی کتاب را به نادر نشان می‌دهد و نادر پس از چسباندن قسمت پاره‌شده‌ی کتاب، دست در دست دوستش به اتفاق به میان بچه‌ها می‌روند. پاسداری از امانت و حفظ دوستی و محبت حرف اصلی «کیارستمی» در این فیلم است. داستان فیلم در محیط مدرسه به عنوان محیطی که متعلق به دنیای آموزشی کودکان و نوجوانان است، می‌گذرد و در آن چگونگی برخوردها و تفکر کودکان مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه مورد پسند کودک و نوجوان است. دوربین کیارستمی در این فیلم نیز ساده عمل می‌کند و به عبارت درست‌تر تکنیک کار او در خدمت ارایه‌ی محتوا و مضامین فیلمش است. در مجموع این فیلم از جمله آثار خوب سینمای کودکان و نوجوانان است که با صداقت حرف‌هایش را با مخاطب خردسال خود در میان می‌گذارد.



«رتیل» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، کارگردان: مهستی بدیعی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۰ دقیقه و ۳۱ ثانیه، داستانی)، «کارگران ایرانی» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، بدون تیتراژ، ۱۶ م.م. رنگی، ۷ دقیقه و ۲۵ ثانیه، داستانی)، «هنم می‌تونم» (محصول کانون، نویسنده، تدوینگر و کارگردان: عباس کیارستمی، ۱۶ م.م. رنگی، ۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه، داستانی - آموزشی)، «پچه‌هایی که کار می‌کنند» و «بازو» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده و کارگردان: نعمت حقیقی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱۸ دقیقه)، «در کتابخانه» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: فریدون معزی مقدم، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۷ دقیقه، مستند)، «کودکان ایران» (تولید اداره‌ی کل امور سینمایی وزارت فرهنگ و هنر، کارگردان: عبدالعظیم مجابی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۷ دقیقه)، «کودکان عصر ما» (تولید اداره‌ی کل امور سینمایی وزارت فرهنگ و هنر، کارگردان: نوراژ ملکیان، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۰ دقیقه) و «مداد بنفش» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: نفیسه ریاحی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۲ دقیقه و ۴۰ ثانیه، داستانی).

فیلم‌های انیمیشن تولیدشده در این سال عبارت‌اند از:  
 «دو راه حل یک مشکل» (محصول پلاتو، ۱۶، نویسنده و کارگردان: خسرو سینایی، ۱۶ م.م. رنگی، ۵ دقیقه، داستانی - آموزشی)،

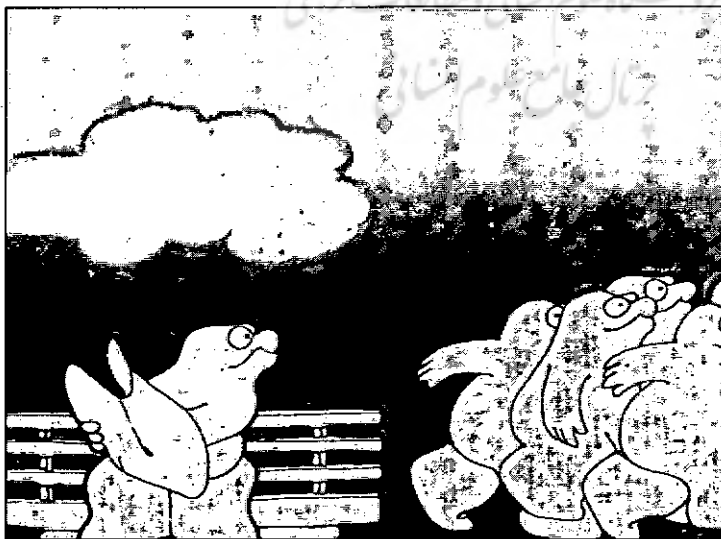
«کارتون ورزشی» (تولید سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، بدون تیتراژ و کلام، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱ دقیقه و ۱۴ ثانیه، داستانی) و «مرد و ابر» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: پرویز نادری، ۳۵ م.م. رنگی، ۷ دقیقه، داستانی).

در فیلم «مرد و ابر» بخار حاصل از کتری چون ابری سایه‌وار در تعقیب مرد است. وجود ابر تحمل‌ناپذیر است و اندیشه‌ی رهایی از آن، تمام دغدغه‌ی مرد می‌شود. چاره در آن است که همه‌ی حرکات به عقب برگردد تا بخار به جای نخست بازگردد. این فیلم، سرگرم‌کننده و خالی از محتواست و با آن که درکش برای کودکان و نوجوانان نیز مشکل نیست اما حرفی برای گفتن ندارد. به لحاظ نوع کار و پرداخت فیلم، «پرویز نادری» خوب عمل کرده است ولی به دلیل نتیجه‌گیری و بافت ماجرا، فیلم فقط جنبه‌ی تفریحی دارد. البته ذکر این نکته که پرویز نادری در ۷ دقیقه یک اندیشه - هرچند ناقص - را در قالب اثری سینمایی آن هم به شیوه‌ی سرگرم‌کننده ارائه داده، امتیازی برایش تلقی می‌شود اما اثری که او ساخته، تنها در محدوده‌ی هنرهای زاینده‌ی بورژوازی - هنر برای هنر - جای می‌گیرد و بس.

«ملک خورشید» (محصول کانون، کارگردان و طراح: علی‌اکبر صادقی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۳ دقیقه، داستانی)، «تاریخچه‌ی روزنامه» (تولید سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، بدون تیتراژ، ۱۶ م.م. سیاه و

سفید، ۲ دقیقه و ۴۰ ثانیه، مستند آموزشی) و «دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه» (محصول کانون، نویسنده، کارگردان و طراح: نورالدین زرین کلک، ۳۵ م.م. رنگی، ۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه، داستانی).

در این فیلم هر کدام از قارهای کره‌ی زمین به شکل موجودات عجیب به جنگ با یکدیگر می‌پردازند و همدیگر را می‌بلعند. «دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه» یک اثر زیبا، گویا و پر محتواست. نقاشی‌های حساب‌شده و مطابق با ویژگی‌های نقشه‌ی کره‌ی زمین، تحریک‌بخشی خوب از طریق فیلمبرداری و کارگردانی و تدوین مناسب از امتیازات فیلم یاد شده است. «نورالدین زرین کلک» از جمله هنرمندان خوشفکر انیمیشن‌ساز است که همواره کوشیده تا آثارش در محدوده‌ی خاصی نکتند و به لحاظ فرم، پرداخت و مضمون، جدید و بکر باشد. دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه، از میل جاه‌طلبی و شیوه‌های استعمار می‌گوید و به خوبی و به‌دور از شعار دادن و غلتیدن در وادی روشنفکرگرایی، پیامش را بازگو می‌کند. در این اثر توجه به درک و فهم مخاطب، در نظر گرفتن ذوق و سلیقه‌ی کودک و نوجوان و بزرگسال، تمهد هنرمند به مسایل جهانی و واقعیت‌های جاری، پرداختی زیبا بر بستری از جذابیت‌های تصویری و زیبایی‌شناسی، به نحوی بارز و قابل تشخیص است. فیلم نورالدین زرین کلک از بهترین آثار انیمیشن تولیدشده در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است.



به لحاظ نوع کار و پرداخت فیلم «مرد و ابر» «پرویز نادری» خوب عمل کرده است ولی به دلیل نتیجه‌گیری و بافت ماجرا، فیلم فقط جنبه‌ی تفریحی دارد



در این سال کانون با تولید ۱۰ فیلم کوتاه و انیمیشن و سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران با ۷ اثر، کرسی‌دار تولیدکنندگان فیلم‌های کودکان و نوجوانان بودند. با آن که اغلب آثار ارایه شده در سال ۵۴ از تکنیک بالا و پرداخت کامل سینمایی برخوردار نبودند اما مضامین متنوع و توجه مؤثر به دنیای کودکان و نوجوانان ویژگی اصلی آن‌ها را تشکیل می‌داد. با این همه در این سال فیلم‌های بچه‌ها و بعدازظهر، کارگران ایرانی، مرد و ابر، دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه، دو راه حل یک مشکل، منم می‌تونم و ... مورد توجه علاقه‌مندان به سینمای کودکان و نوجوانان و همچنین مخاطبان خردسال و نوجوان قرار گرفتند. به خاطر همین توجه، در این سال در تعدادی از مراکز هنری و نشریات به ایجاد سینمایی با هویت برای کودکان و نوجوانان علاقه نشان داده شد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران و چند ارگان دیگر مصمم‌تر از پیش به انجام فعالیت‌های فیلمسازی همت گماشتند و دست به تهیه‌ی برنامه‌های بلندمدت زدند که اثرهای آن در سال‌های بعد مشخص شد!

### ۱۳۵۵؛ مسعود کیمیایی با اسب آمد

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با برنامه‌ریزی‌های حساب‌شده و تولید ۱۲ فیلم کوتاه و انیمیشن در این سال، نشان داد که پیگیرترین ارگان در ارتباط با فیلمسازی درباره‌ی کودکان و نوجوانان است. در سال ۱۳۵۵ به موازات آهنگ سریع رشد آگاهی‌های عمومی، اشیاع بازار کتاب از آثار ترجمه و تألیفات ایرانی، محسوس شدن امکان صحبت‌های چند نفری بدون ترس از اختناق، سرعت یافتن حرکات اعتراض‌آمیز در مراکزی چون حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و ... و همچنین گسترش فساد در سینمای ایران، عصیان‌های نسل جوان به صورت‌های خرنده در محافل هنری و ادبی، ایجاد جو وحشت در دستگاه هیئت حاکمه به واسطه‌ی رشد آگاهی‌های مردم و ... حرکتهای روشنفکرانه در قالب آثار کودکان و نوجوانان و گفتن پیام‌های اجتماعی و سیاسی در این عرصه شکل

گرفت و از سویی دیگر ساختن فیلم‌های فرمایشی برای انحراف افکار خردسالان در دستگاه‌های دولتی رو به فزونی گذاشت. در این سال سینمای ایران هم‌چنان در فکر ثروت‌اندوزی از طریق تولید آثار مبتذلی چون «رامشگر» (رضا بقایی)، «سینه‌چاک» (ایرج قادری)، «خانم دلش موتور می‌خواد» (جمشید شیبانی) و ... بود و تولید فیلم‌های جوان‌پسندی مانند «علف‌های هرز» (محمد دلجو و امیر مجاهد)، «قاصدک» (م. صفار) و ... جز دامن زدن به سردرگمی نسل جوان و انداختن ایشان در ورطه‌ی پوچ‌گرایی ثمری نداشت.

در این سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با تهیه‌ی فیلم «اسب» به نویسندگی و کارگردانی «مسعود کیمیایی»، کار ساخت فیلم‌هایش را ادامه داد. این فیلم به طریق ۳۵ م.م. رنگی و در ۵۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه تهیه شد و یک اثر داستانی است. آثار دیگر سال ۵۵ عبارت‌اند از: «بهارک» (محصول ک.پ.ف.ک.ن. نویسنده و کارگردان: اسفندیار منفردزاده، ۳۵ م.م. رنگی، ۴۰ دقیقه و ۴۰ ثانیه، داستانی)، «بیباید تئاتر بازی کنیم» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: ابراهیم وحیدزاده، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۵ دقیقه، نیمه‌داستانی - آموزشی)، «بیباید ساز بزنیم» (محصول ک.پ.ف.ک.ن. نویسنده و کارگردان: ابراهیم وحیدزاده، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۰ دقیقه، نیمه‌داستانی - آموزشی)، «پرچین» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان:

ارسلان ساسانی، ۳۵ م.م. رنگی، ۴۳ دقیقه و ۴۰ ثانیه، داستانی)، «خون» (محصول کانون، کارگردان: نفیسه ریاحی و حسین جهانشاهی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۱ دقیقه، مستند آموزشی)، «در امتداد یک سیم» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: جواد کهنمویی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه، مستند داستانی)، «رنگ‌ها» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: عباس کیارستمی، ۳۵ و ۱۶ م.م. رنگی، ۱۵ دقیقه، مستند آموزشی)، «گوسفند قربانی» (محصول شرکت صنایع گسترش فیلم ایران، کارگردان و تدوینگر: مهرداد مهرین، ۳۵ م.م. رنگی، ۳۰ دقیقه، داستانی) و «لباسی برای عروسی» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: عباس کیارستمی، ۳۵ م.م. رنگی، ۵۹ دقیقه و ۴۹ ثانیه، داستانی). لباسی برای عروسی یکی از مطرح‌ترین فیلم‌های این سال بود که به لحاظ ساخت و موضوع مورد توجه قرار گرفت. «علی» شاگرد خیاطی است. او دو دوست دارد که در همان پاساژ محل کارش کار می‌کنند. یک روز پسر یا مادرش به مغازه‌ی خیاطی می‌آیند و سفارش لباسی تازه برای پسر می‌دهند. از قضا این لباس اندازه‌ی تن هر دو دوست علی است. آن دو از علی می‌خواهند تا لباس را به عنوان امانت به آنان بدهد و علی می‌پذیرد و لباس پس از چند بار دست به دست گشتن عاقبت مرتب و تمیز به جای اولش بازگردانده می‌شود ■

ادامه دارد